

۱۰ ۸۸۵۸۱

ازین جنون که منم

مجموعه شعر

نورالدین زرین‌کلک



امیراًت فرواریه

| | |
|--|-------------------------|
| زیرین کلک، نورالدین | سرشناسه: |
| ازین جنون که منم (مجموعه شعر) / نورالدین زیرین کلک | عنوان و نام پدیدآور: |
| تهران: مروارید، ۱۳۹۸. | مشخصات نشر: |
| ۹۱ ص. | مشخصات ظاهری: |
| 978-964-191-803-5 | شابک: |
| | وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا |
| شعر فارسی - قرن ۱۴ | موضوع: |
| Persian poetry - 20 th century | موضوع: |
| PIR ۸۰۷۶ | ردیفندی کنگره: |
| ۸۰۷۶/۸۱۰۶۲ | ردیفندی دیویسی: |
| ۵۸۵۸۰۷۶ | شماره کتابشناسی ملی: |



استاد از مروارید

تهران، خیابان انقلاب، بیهودی، شگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۰۴۶۰۶۶۴۱۱ - ۰۶۱۱۶۶۴۱
فروشگاه: ۶۶۴۸۴۰۲۷ - ۰۴۶۰۶۶۴۱۱
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



ازین جنون که
(مجموعه شعر)
نورالدین زیرین کلک
تولید فنی: الناز ایلی
صفحه آرایی: تینا حسامی
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹
چاپخانه: هوران
تیراز ۳۳۰

ISBN 978-964-191-803-5 ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۸۰۳-۵ شابک

۱۹۰۰۰ تومان

فهرست

| | | | |
|----|---------------------------|----|--------------------|
| ۲۴ | غريبه..... | ۵ | اشاره..... |
| ۲۵ | گور تن..... | ۶ | حرفي با تو..... |
| ۲۶ | عشق..... | ۷ | حرف شاعرانه..... |
| ۲۷ | در..... | ۹ | ابر سیام..... |
| ۲۸ | لب های تو..... | ۱۰ | لب لیوان..... |
| ۲۹ | دارو..... | ۱۱ | آينه..... |
| ۳۰ | باور..... | ۱۲ | جشن..... |
| ۳۱ | عاشق شو..... | ۱۳ | تشنگی..... |
| ۳۲ | زير ابر..... | ۱۴ | من و عشق..... |
| ۳۳ | يک روز بهار..... | ۱۵ | اي عشق..... |
| ۳۴ | قطره باران..... | ۱۶ | اي دختران حوا..... |
| ۳۵ | تكليف برگها و رؤياها..... | ۱۷ | باد شمالگان..... |
| ۳۶ | طعم توت و درد..... | ۱۹ | با اين جنون..... |
| ۴۰ | زبان ماه..... | ۲۰ | بي خوابي..... |
| ۴۲ | آيدهای آسماني..... | ۲۱ | دو صندلی..... |
| ۴۳ | راز..... | ۲۲ | حاشا..... |
| ۴۵ | رياضت..... | ۲۳ | دلتنگي..... |

| | | | |
|---------|--------------------------|---------|-----------------------|
| ۶۲..... | دامن مادرم..... | ۴۷..... | بی سایه، بی رویا..... |
| ۶۳..... | داود میکل آثر..... | ۴۹..... | آخرین تکه عمر..... |
| ۶۶..... | پدرم..... | ۵۱..... | خواب..... |
| ۶۸..... | پنجه‌ام بارانی است..... | ۵۳..... | روح ماهی‌ها..... |
| ۷۰..... | بعضیم در گلوست..... | ۵۵..... | اسکناس نو..... |
| ۷۲..... | دست‌هایم را ریودند!..... | ۵۷..... | ای آبشار شوق..... |
| ۷۵..... | آوازت دریغ..... | ۵۹..... | جريمه..... |
| | | ۷۸..... | قطار زندگی..... |

اشاره

ده دوازده ساله بودم، او ن تمایل در من به شعر و شاعری پیدا شد و تا ارتکاب چند غزل هم نمی‌نماید. اما راهی که انتخاب کرده بودم چنان صعب و ناهموار بود که نعلاهار کو کانه‌ام را برئیم نتوانست. در جوانی نیز در هزارپیج دانشگاه و داروساری ر نقاشی، سینم و گرافیک گرفتار شدم و مجالی برای به شعر نماند.

در دهه ۱۳۴۰ در پیکار شعر نو و شعر کهنه بین نوسرایان نورسیده و غزل سرایان غافلگیر افتاده، بیشتر، تماشاگر بودم و متنو نیزم از آموختن بازنمانم. تا آن که شبی خوابی دیدم نامتعارف - به صورت - سالمه‌ای بین من و دوستم، صادق دلیلی. او صحبت می‌کرد و من به آن جواب می‌دادم. اما جواب‌های من نه سخن - که رودی بود از کلمات و به شکل ای مادرم فرومی‌ریخت. در همان وقت‌ها، نخستین شعرهای کوتاه از من - به پوسته وزن و قافیه را کنار زده و زبان حسن و اندیشه را گزیده بود - روی کاغذ به ثبت رسید.

این زمان، همان دهه ۱۳۴۰ بود و اشعار، غالباً در شب‌های کشیک و تنهایی در بیمارستان به سراغم می‌آمد. در سال‌های بعد نیز که نیما در اوج

می‌ایستاد و بوی فروغ و سهراب و شاملو جهان شعر و شاعری ایران را
می‌آباشست، من نیز گاهی شعری بر برگه‌های نسخه می‌نوشتم.
در سال‌های اخیر نیز بازگشته به شعر و مفاهیم شعرگونه - مانند
«شعرک» (به معنای شعر کوتاه) داشته‌ام - که نمونه‌هایی از آن‌ها در این
فترم خوانید.

کالیفرنیا / ۱۳۹۸